

ایران و محور چین - روسیه در آسیای مرکزی

فرزانه صفری^۱

حمید احمدی^۲

کیهان برزگر^۳

منطقه آسیای مرکزی به لحاظ پیوندهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از اهمیت قابل توجهی برای ایران برخوردار است. این در حالی است که در سال‌های اخیر دو کشور چین و روسیه نیز توجه بیشتری را به سمت آسیای مرکزی سوق داده و ابتکارات بسیاری را برای گسترش نفوذ و تأیید تقدم خود ارائه کرده‌اند. هدف مقاله حاضر، بررسی ابعاد و ویژگی‌های محور چین-روسیه در آسیای مرکزی و فرصت‌هایی است که راهبرد دو کشور در این منطقه پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهند. بر این پایه، مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال دست یافتن به پاسخی مناسب برای این پرسش است که در میان اهداف منطقه‌ای مسکو و پکن در آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند به تامین منافع خود در این منطقه نزدیک‌تر شود؟ فرضیه مقاله این است که «نگرانی متقابل چین و روسیه در خصوص منافع امنیتی، اقتصادی و نهادی منجر به اتخاذ سیاست‌های هماهنگ از جانب دو کشور شده این موضوع توازن منطقه‌ای را به دنبال دارد و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در چنین فضایی با در پیش گرفتن رویکرد مشارکت‌گرای تدافعی به تامین منافع اقتصادی و امنیتی خود در منطقه نزدیک شود». پایه‌های نظری مقاله بر نظریات واقع‌گرایان (ساختاری) تدافعی و تهاجمی استوار است و یافته‌های موجود بر اساس گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، اسناد، منابع فضای مجازی و آمار و ارقام می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایران، آسیای مرکزی، محور چین-روسیه، توازن منطقه‌ای و رویکرد مشارکت‌گرای تدافعی.

^۱ دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
Email: Farzaneh.safary83@gmail.com

^۲ نویسنده مسئول، استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: hahmadi@atu.ac.ir

^۳ دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
Email: Kbarzegar@hotmail.com

- این مقاله علمی _ پژوهشی می‌باشد. تاریخ دریافت ۹۸/۹/۲۲ و تاریخ پذیرش ۹۹/۲/۱۲

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همواره به دنبال تعمیق جایگاه خود در منطقه آسیای مرکزی بوده و اغلب پیوندهای تاریخی و نزدیکی جغرافیایی را به عنوان پایه‌ای برای توسعه روابط با کشورهای این منطقه ذکر کرده است. در کنار اهمیت روابط ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی در سطح دوجانبه و نهادی، منطقه آسیای مرکزی در سال‌های اخیر وارد مرحله جدیدی از موقعیت استراتژیک و ژئواستراتژیک شده است که می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ساز اتخاذ رویکردی جدید در عرصه تعاملات منطقه‌ای باشد.

هم‌جواری چین با کشورهای آسیای مرکزی توأم با رشد سریع اقتصادی موجب آشکار شدن ویژگی‌های خاصی در شرایط اقتصادی، سیاسی و امنیتی این منطقه شده است. از طرفی، روسیه نیز پس از بحران اوکراین و اعمال تحریم‌های غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، سیاست نگاه به شرق و جنوب آسیا را به شکل جدی در پیش گرفت و با هدف گسترش نفوذ در این منطقه نقش فعال‌تری پیدا کرد.

بنابراین حضور فعال چین و روسیه به عنوان دو قدرت جهانی که ترکیبی از اهداف مشابه، موازی و متقابل را در منطقه آسیای مرکزی دنبال می‌کنند، سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را ناگزیر از توجه به راهبردهای کنونی و گمانه‌زنی درباره آینده روابط این دو می‌سازد. بسیاری از ناظران بر این باور هستند به‌رغم شواهدی که مبنی بر همکاری تقویت‌شده چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی در سال‌های اخیر وجود دارد، سطح فعلی تعامل میان چین و روسیه نمی‌تواند، نمای مناسبی برای پنهان کردن سوءظن و بی‌اعتمادی عمیق بین دو کشور باشد. در این رویکرد برخی معتقد هستند، تداوم تعامل موجود از سوی روسیه در معرض تهدید قرار دارد زیرا عواملی از جمله لیست طولانی تضادهای تاریخی، عدم تعادل جمعیتی چشمگیر و قدرت رو به رشد چین که منجر به عدم تقارن روزافزون در توانایی‌های دو کشور می‌شود ناامنی‌های روسیه را تشدید می‌کند (Rolland, 2019:8). بنابراین روسیه نسبت به کاهش قدرت خود در اثر افزایش توانایی‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی چین و حضور این کشور در مناطقی که مسکو هنوز هم به عنوان حوزه انحصاری نفوذ خود می‌داند، ناخشنود است.

در کنار آن دیدگاه کسانی می‌باشند که معتقد هستند، چینی‌ها هماهنگ نمودن سیاست‌هایشان با روسیه و مرتفع نمودن نگرانی‌های آن در آسیای مرکزی را مرحله‌ای گذرا می‌دانند که تنها طی این مرحله، چین بایستی بهترین پیشنهادات خود را در مقابل روسیه مطرح و با این کشور همراهی کند چراکه در بلندمدت روسیه تضعیف شده و نفوذ خود را در منطقه آسیای مرکزی به نفع چین از دست خواهد داد (Medeiros, 2017:48).

در این دیدگاه نیز تسلیم مرحله به مرحله پکن به عنوان ترفندی برای استحکام بخشیدن به نفوذ کامل خود در آینده اوراسیا تلقی می‌شود. چنین رویکردی که در کلیت خود مبتنی بر بی‌اعتمادی ریشه‌دار چین و روسیه قرار دارد در نهایت معتقد است، اگرچه منافع مادی و اقتصادی ممکن است در حال حاضر مسکو و پکن را به آغوش یکدیگر سوق دهد، اما عوامل دیگری مانند اعتبار جهانی و عدم تقارن در قدرت در نهایت آنها را از هم جدا کرده یا در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. نتیجه این است که تعامل بر اساس منافع مشترک، شکننده است و دوام نخواهد داشت. در مقابل رویکرد فوق دیدگاه کسانی قرار دارد که تعامل روسیه و چین را در این منطقه استراتژیک و در بلندمدت پایدار می‌دانند.

از منظر این نوشتار به رغم بدبینی‌ها و خوش‌بینی‌های موجود در خصوص آینده تعامل چین و روسیه در آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران برای شناخت مناسب‌ترین گزینه‌ها به منظور منتفع شدن از زمینه‌های همکاری و رقابت و پیشبرد منافع خود در منطقه ناگزیر از توجه به رویکرد فعلی چین و روسیه به عنوان دو بازیگر موثر و تعیین‌کننده آینده سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه آسیای مرکزی است. در این راستا، بررسی ابعاد مهم‌ترین ابتکارات مورد نظر دو کشور از جمله ابتکار کمربند-راه^۱ چین و طرح اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ روسیه به منظور توسعه روابط با منطقه و ایجاد پیوندهای مساعد میان ایران و دو کشور چین و روسیه حائز اهمیت است.

با این تفاسیر، هدف مقاله حاضر بررسی ابعاد و ویژگی‌های محور چین-روسیه در آسیای مرکزی و فرصت‌هایی است که سیاست منطقه‌ای دو کشور در این منطقه پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. این مقاله در ابتدا به این موضوع می‌پردازد که افزایش نگرانی متقابل برای تداوم ثبات منطقه‌ای و امنیت مرزها از دیدگاه چین و ایجاد خلل در تامین

^۱. The Belt -Road Initiative

^۲. Eurasian Economic Union (EAEU)

اهداف ژئوپلیتیک از دید روسیه، دو طرف را به اتخاذ سیاست‌های هماهنگ در طیف گسترده‌ای از حوزه‌های موضوعی سوق داده است به نحوی که افزایش قدرت و امنیت از طریق تعامل مداوم میان دو بازیگر و در حاشیه اهداف ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مسکو و پکن تولید می‌شود. به عبارت دیگر با پرداختن به منشاء رفتارهای چین و روسیه که محور آن آسیای مرکزی است نوعی هماهنگی استراتژیک را که منجر به توازن منطقه‌ای می‌شود در میان سیاست‌های دو کشور شناسایی می‌کند. بر این اساس، فرصت‌هایی را که توازن موجود در محور چین- روسیه در آسیای مرکزی پیش روی ایران قرار می‌دهد، مورد بررسی قرار داده و به اثبات این موضوع می‌پردازد که ایران می‌تواند با در پیش گرفتن یک رویکرد مشارکت‌گرای تدافعی^۱ به تامین منافع اقتصادی و امنیتی خود در منطقه نزدیک شود. مقاله حاضر از نوع کیفی بوده و با روش شناسی توصیفی-تبیینی انجام گرفته است. در گردآوری داده‌ها و اطلاعات نیز از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. مبانی نظری مقاله بر نظریه واقع‌گرایی ساختاری تدافعی و تهاجمی^۲ و به ویژه مفهوم توازن منطقه‌ای قرار گرفته است.

^۱. Defensive Participatory Approach

^۲. Offensive and Defensive Realism

چارچوب نظری

از نظر واقع‌گرایان تهاجمی و تدافعی^۱، قدرت‌های بزرگ بازیگران عقلانی هستند. آنها نسبت به محیط خارجی خود آگاه هستند و برای بقای خود در این محیط بین‌الملل، رفتار راهبردی مناسب را انتخاب می‌کنند. از برداشت ساختارگرایانه این دسته از واقع‌گرایان به نظام بین‌الملل و فضای آنارشیک آن، مفهوم توازن نیز شکل می‌گیرد. توازن منطقه‌ای در شرایط آنارشی شکل می‌گیرد. والتز استدلال می‌کند، "سیاست بین‌الملل در تمامیت خود دفع قدرت است. بنابراین در نهایت منجر به توازن قوای دولت‌ها در مقابل هم می‌شود" (Waltz, 1991:669). در واقع، موازنه قوا از دید واقع‌گرایان تدافعی به نظامی اشاره دارد که بازیگران هویت، تمامیت و منافع خود را از راه فرایند ایجاد توازن، تأمین و حفظ می‌کنند. بنابراین کشورهای شرکت‌کننده در سیستم توازن نیز به اتحاد با کشورهای دوست متوسل می‌شوند تا ضمن حفاظت از خود موقعیت بهتری به دست آورند (آقایی و راهدار، ۱۳۹۴: ۱۹۵). البته، دو کشور چین و روسیه با وجود همکاری برای رسیدن به برخی هدف‌های مشترک در آسیای مرکزی در این مسیر هر یک رویکردهای خاص خود را دارند، اما در نهایت، برآیند رویکرد متفاوت دو کشور نیز منجر به یک نتیجه می‌شود و آن توازن منطقه‌ای است.

همچنین در کلیت دیدگاه واقع‌گرایان ساختاری، توازن منطقه‌ای بدون توجه به رویکرد کشورها برای تولید قدرت حاصل نمی‌شود و طبیعی به نظر می‌رسد، سیاست خارجی دولت‌ها در روند توازن منطقه‌ای در راستا افزایش قدرت و امنیت باشد (کوچان، ۱۳۸۲: ۱۱۷). چارلز گلسر^۲ معتقد است، دولت واقع‌گرای تدافعی، معضل امنیتی^۳ را تشخیص می‌دهد یا دست کم برخی از دلایل آن را درک می‌کند. دولت‌ها نمی‌توانند از این معضل به تنهایی و با به دست آوردن قدرت بیشتر فرار کنند، بلکه تنها با دنبال کردن همکاری می‌توانند این معضل را کاهش دهند (Glaser, 1992:519). بر اساس شواهد، سیاست خارجی روسیه در منطقه آسیای مرکزی در قالب واقع‌گرایی تهاجمی ساختاری قابل توضیح است. گرایش روسیه در راستا تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای و افزایش قدرت نسبی در منطقه را نمی‌توان نادیده

¹. Offensive and Defensive Realism

². Charles Glaser

³. Security Dilemma

گرفت. این در حالی است که شواهد کمی نیز در خصوص ماهیت واقع‌گرای تدافعی استراتژی فعلی چین در آسیای مرکزی وجود دارد.

بررسی راهبرد چین نشان می‌دهد این کشور به روشنی برخی از مهم‌ترین جنبه‌های معضل امنیتی و پیامدهای آن را به رسمیت شناخته است. بنابراین پکن قصد ندارد، معضل امنیتی ناشی از حضور روسیه در منطقه را تشدید کند به همین دلیل توسعه‌گرایی اصطلاحاً^۱ را قانونی برای پیشبرد منافع خود در این منطقه نمی‌داند و آگاهانه امنیت کشورهای دیگر را تهدید نخواهد کرد.

با بررسی رویکردهای پکن و مسکو در منطقه می‌توان گفت، دو کشور به دنبال استراتژی‌هایی هستند تا منافع امنیتی و اقتصادی خود را در منطقه هماهنگ کنند. بنابراین علاوه بر اهداف آگاهانه یا ناآگاهانه مورد نظر والتز^۲ برای نمایش توازن ناشی از رفتار دو کشور می‌توان همچنین مصادیق موجود در توازن مستقیم مورد نظر مرشایمر که بر رفتار و استراتژی‌های موازنه‌ای (چگینی زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۴) از جمله اتحادها و تلاش‌های مستقیم کشورها برای موازنه تاکید می‌کند را نیز در رفتار سیاست خارجی چین و روسیه در آسیای مرکزی مشاهده کرد. دو کشور با وجود همکاری برای رسیدن به برخی هدفهای مشترک در آسیای مرکزی در این مسیر هر یک رویکردهای خاص خود را دارند، اما در نهایت، برآیند رویکرد متفاوت دو کشور نیز منجر به یک نتیجه می‌شود و آن توازن منطقه‌ای است.

با توجه به ویژگی‌های ذکر شده به نظر می‌رسد این چشم انداز نظری بتواند در بررسی فرصت‌هایی که محور چین-روسیه آسیای مرکزی پیش روی ایران قرار می‌دهد به ما کمک کند. با بررسی رویکردهای چین و روسیه از منظر واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی و گرایش این محور به توازن این شرایط می‌تواند به عنوان فرصتی برای مشارکت بیشتر ایران در ابتکارات و راهبردهای دو کشور در آسیای مرکزی تلقی می‌شود به نحوی که این مشارکت با شناخت معضل امنیتی همراه بوده و بر مبنای رویکرد تدافعی تعریف شود. به عبارت دیگر در میان رویکردهای چین و روسیه، راهبرد عقلانی برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند، برگزیدن یک رویکرد مشارکت‌گرای تدافعی باشد که در این مقاله به ویژگی‌ها و مصادیق آن پرداخته خواهد شد.

^۱. Frictional Developmentism

^۲. Kenneth Waltz

توازن در محور چین-روسیه در آسیای مرکزی

تصویر دو قدرت با طرح‌ها و اهداف متفاوت که برای نفوذ در فضایی یکسان باهم رقابت می‌کنند، ممکن است در نگاه نخست همچون بستری برای افزایش اصطکاک و حتی درگیری تلقی شود، اما مناسبات چین و روسیه در آسیای مرکزی چیزی خلاف این احتمال را نشان می‌دهد. پکن و مسکو با آگاهی از خطرپذیری بالای رقابت‌های ژئوپلیتیک برای جلوگیری از برخورد منافع، همبستگی چشم‌گیری را نشان داده‌اند و چارچوب مشارکتی را ایجاد کرده‌اند که در آن امکان تراز کردن سیاست‌های دو کشور به عنوان صاحبان ابتکارات مربوط به اوراسیا فراهم می‌شود.

به رغم تلاش‌های روسیه برای کسب جایگاه برتر اقتصادی پس از بحران جهانی اقتصادی ۲۰۰۸-۲۰۰۹، پکن به عنوان بزرگترین شریک اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی ظاهر شد. امروزه، شبکه قابل توجهی از جاده‌ها، راه آهن، خطوط هوایی و خطوط لوله نفت و گاز، چین را به آسیای مرکزی متصل می‌کند (Medeiros, 2017:7). چین در سال ۲۰۱۸ تقریباً ۲۵ میلیارد دلار تجارت با پنج دولت منطقه انجام داد که از این میزان ۲۲ میلیارد دلار صادرات چین به پنج کشور آسیای مرکزی بوده است (IMF, 2019).

چین همچنان به گسترش حضور اقتصادی خود در کشورهای منطقه ادامه می‌دهد و رهبری خود را در میان کشورهای آسیایی از نظر سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه حفظ می‌کند. بخش عمده سرمایه‌گذاری مستقیم سرمایه از چین در قزاقستان متمرکز است. میزان سرمایه‌گذاری مستقیم چین در این کشور در سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۲۱٫۵ میلیارد دلار بوده است (EDB, 2017). در مجموع تجارت چین و آسیای مرکزی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ به دو برابر یعنی حدود ۴۰ میلیارد دلار رسید. چین پیشرو و منبع اصلی سرمایه‌گذاری خارجی سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، انرژی و زیرساخت‌ها در این منطقه است (Bhuria, 2019:8).

با وجود برتری اقتصادی پکن در آسیای مرکزی، روند اجرای ابتکارات منطقه‌ای دو کشور چین و روسیه در این منطقه، شبکه ایمنی را فراهم می‌کند که ظرفیت درگیری بر سر منافع را کاهش می‌دهد. بخش اعظم زیرساخت‌های اصلی جاده ابریشم جدید^۱ شامل اتصالات ریلی میان چین - اروپا از خاک قزاقستان، روسیه و بلاروس (یعنی قلمرو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و

^۱ New Silk Road

حوزه سرمایه‌گذاری روسیه در بخش‌های حمل و نقل، زیرساخت و انرژی عبور می‌کند. در واقع، اجرای طرح‌های زیرساختی در این مناطق با اعتبارات صندوق جاده ابریشم^۱ بر انگیزه‌های روسیه برای همراهی با ابتکار عمل پکن به جای مخالفت با آنها می‌افزاید (Haiquan, 2017:144).

هنگامی که چین تسلط نمادین روسیه در آسیای مرکزی را با راه‌اندازی ابتکار کمربند-راه به چالش کشید، مسکو به جای اتخاذ رویکرد تقابلی، راهکنشی منفعت‌گرایانه در پیش گرفت. چین نیز به شکلی ماهرانه با کاربست برخی مؤلفه‌ها از احتمال درگیری با روسیه در آسیای مرکزی کاست. پکن، ابتکار خود را در قالب یک برنامه تدارکاتی و توسعه اقتصادی و نه یک طرح ژئواکونومیک ارائه داد که این ایده با استقبال مسکو مواجه شد. نخبگان و رهبران روسیه اصرار داشتند تا نشان دهند جاده‌ها، مهاجرت نیروی کار و صاحبان کسب و کار و ایجاد اشتغال دقیقاً همان چیزهایی هستند که هم چین و هم کشورهای منطقه به آن نیاز دارند (Samokhvalov, 2018:41).

در حوزه انرژی نیز سرمایه‌گذاری‌های چین در طرح‌های انرژی روسیه که تحت ابتکار کمربند و راه اجرا می‌شود، به ایجاد گروهی از ذی‌نفعان در روسیه منجر شده است. این گروه شامل افراد و بنگاه‌هایی هستند که علاقه‌مند به همکاری‌های بی‌وقفه با چین هستند. تخصیص ۱۰ میلیارد دلار وام توسط بانک‌های چینی برای طرح یامال-ال ان جی^۲ که توسط شرکت خصوصی نواتک^۳ (متعلق به گنادی تیمچنکو^۴ از نزدیکان پوتین) اجرا شده و سرمایه‌گذاری در طرح آرکتیک-ال ان جی نواتک^۵، اخذ ۹,۹٪ از طرح یامال-ال ان جی توسط صندوق جاده ابریشم^۶ و کسب ۱۰٪ از بزرگترین گروه پتروشیمی روسیه سیبور^۷ توسط صندوق جاده ابریشم از مهم‌ترین این توافق‌نامه‌ها است. اگرچه برخی از این سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است خارج از ابتکار کمربند و راه چین صورت گرفته باشد، اما در هر حال ورود آنها به این چارچوب، مخالفت بالقوه روسیه با این طرح را کاهش می‌دهد (Kaczmariski, 2019:21).

^۱ Silk Road Fund

^۲ Yamal-LNG

^۳ Arctic-LNG Novatek

^۴ Gennady Timchenko

^۵ Novatek Company

^۶ Silk Road Fund

^۷ SIBUR

عامل دیگری که انگیزه دو کشور را برای توسعه مناسبات در چارچوب ابتکار کمربند- راه دو چندان کرد، تحریم‌های اقتصادی غرب علیه روسیه بود (Reid, 2019). این انگیزه‌ها باعث شد تا روسیه برای تضمین بلندمدت و سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌های انرژی آسیای مرکزی به شرکت‌های چینی روی آورد. این واقعیت که خطوط لوله ساخت چین به طور غیرمستقیم از دسترسی اتحادیه اروپا به منابع گاز طبیعی آسیای مرکزی جلوگیری کردند به مسکو کمک کرد تا با حضور روزافزون پکن در آسیای مرکزی هماهنگ شود (Salitsky and Semenova, 2019:5).

روسیه همچنین امیدوار است که اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به عنوان شریک در ابتکار کمربند- راه چین وارد کند و در همین راستا در ماه مه سال ۲۰۱۸، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و چین توافق را برای ایجاد منطقه گسترده تجارت آزاد^۱ امضا کردند (Kaczmariski, 2019:24). با این حال روسیه همچنان نگران افزایش نفوذ اقتصادی چین در آسیای مرکزی است و بنابراین اتحادیه اقتصادی اوراسیا همزمان به عنوان وزنه‌ای در مقابل چین و محافظی برای کشورهای دوست روسیه نیز تلقی می‌شود (Raik and Others, 2018:42).

در مجموع مسکو به رغم نگرانی از افزایش قدرت چین در منطقه از زمینه‌های همکاری و تعامل با پکن به ویژه در زمینه اقتصاد و انرژی غافل نشده است. ابتکار کمربند و راه چین قادر به انجام سرمایه‌گذاری‌هایی است که نه روسیه و نه اقتصادهای آسیای مرکزی از عهده آن بر نمی‌آیند. همکاری روسیه با چین به مسکو کمک می‌کند تا نه تنها بخشی از فضای دیپلماتیک خود را باز یابد، بلکه بر مشکلات ناشی از تحریم‌های غربی نیز غلبه کند.

در اینجا اشاره به این نکته نیز لازم است که پوتین در عین تعامل با ابتکار چین در آسیای مرکزی، گسترش دامنه جغرافیایی فعالیت‌های روسیه به منطقه‌ای بزرگتر از اوراسیا را نیز در نظر داشته است. در همین راستا پوتین در سال ۲۰۱۶ پیشنهاد ایجاد "مشارکت جامع اوراسیا"^۲ را داد که شامل کشورهای اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای مرکزی به علاوه چین، هند، پاکستان و ایران است. شاید بتوان گفت عملکرد پوتین نشانه‌ای از این دیدگاه سیاسی روسیه است که برای

¹. Agreement on Trade and Economic Cooperation between the Eurasian Economic Union (EAEU) and the People's Republic of China (PRC)

². Greater Eurasian Partnership

رسیدن به رونق اقتصادی منطقه احتمالاً اتحادیه اقتصادی اوراسیا به تنهایی کافی نخواهد بود. همچنین به نظر می‌رسد، هدف روسیه از راه اندازی مشارکت جامع اوراسیا ایجاد این احساس است که مسکو هنوز هم نیروی پیش‌رو در روند ادغام منطقه است.

بنابراین توانایی چین از این لحاظ که می‌تواند در آسیای مرکزی به طور فزاینده‌ای چه از نظر اقتصادی و چه به لحاظ امنیتی - که ناگزیر به تأثیر سیاسی بیشتر منجر خواهد شد - تقویت شود در بلندمدت می‌تواند با دیدگاه روسیه که آسیای مرکزی را بخشی از حوزه نفوذ خود می‌داند در تعارض قرار گیرد. اما شاید بتوان گفت در حال حاضر یکی از مهمترین دلایل سازگاری روسیه با نفوذ فزاینده چین در منطقه، سیاست "خود محدود کننده"^۱ پکن است. این وضعیت شامل پذیرش ضمنی وضعیت روسیه به عنوان یک شریک راهبردی است (Haiquan, 2017:135).

محدودیت خود تحمیل شده پکن، مشارکت محدود در همکاری‌های امنیتی دو جانبه با کشورهای آسیای مرکزی و به رسمیت شناختن ضمنی تقدم روسیه در حوزه امنیت نشانه‌هایی از این سیاست محسوب می‌شوند (Kaczmariski, 2019:26). چین به خوبی آگاه است که ایفای یک نقش رو به رشد در امنیت منطقه‌ای ممکن است تأثیرات منفی بر روابطش با روسیه در آسیای مرکزی داشته باشد.

اگرچه تفسیر دیگری وجود دارد که معتقد است، چین خود را با نگرانی‌ها و هراس‌های مسکو برای یک مرحله گذار نامشخص وفق می‌دهد و منتظر می‌ماند تا وقتی روسیه تبدیل به بازیگری ضعیف شده و پس از آن زمینه برای اعمال برتری کامل چین بر منطقه اوراسیا فراهم می‌شود (Rolland, 2019:10). با این حال به نظر می‌رسد چین برای تحقق برنامه‌های بلندپروازانه اقتصادی خود تا مدت‌ها به همگرایی و تعادل منافع و هماهنگ‌سازی استراتژی‌های اوراسیایی خود با روسیه ادامه خواهد داد.

عدم تقارن در توانایی‌ها، لزوماً در همه حوزه‌ها به نفع چین نیست. چین نیز در حوزه اقتصادی از سوی روسیه منتفع می‌شود. اتحادیه اقتصادی اوراسیا از لحاظ حقوقی رویه‌های تجاری را تسهیل کرده و موانع تجاری را برای طرح چین از بین خواهد برد (Svetlicinii, 2019:10).

^۱ Self-Restraint

در بعد نظامی و امنیتی نیز چین در وضعیت ضعیف‌تری قرار دارد. چین بر خلاف روسیه فاقد هرگونه پایگاه نظامی در کشورهای همسایه آسیای مرکزی است و سطح همکاری‌های دفاعی پکن با کشورهای منطقه در سطح مسکو نیست و محدود به برگزاری رزمایش‌های مشترک با کشورهای همسایه قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان در چارچوب سازمان همکاری شانگهای می‌شود (Haiquan, 2017:138).

بنابراین نفوذ امنیتی روسیه در آسیای مرکزی بسیار فراتر از چین است. چین نمی‌تواند برای مقابله با تمام مشکلات محلی که ابتکار کمربند-راه با آنها روبه‌رو است از جمله اختلافات پیچیده فرهنگی و چالش‌های امنیتی محلی، فقط به قدرت امنیتی خود متکی است (Reid, 2019). به عنوان مثال همکاری عمیق‌تر میان دو کشور به چین این امکان را می‌دهد که از نفوذ مسکو در کشورهای روس زبان بهره‌مند شود و از این طریق به بهبود چهره خود کمک کند (Miholjic, 2019). همچنین حضور نظامی روسیه می‌تواند، چتر امنیتی‌ایی را فراهم کند و به کاهش خطرات پیش روی ابتکار کمربند-راه در اوراسیا کمک کند. علاوه بر آن هماهنگی نزدیک‌تر دو کشور می‌تواند به معنای افزایش نقش چین در امنیت منطقه بدون برانگیختن حساسیت محلی باشد (Svetlicinii, 2019:10). این موضوع حتی می‌تواند به چین اجازه دهد تا چهره "قدرت بزرگ مسئول"^۱ را بهبود بخشد. ضمن این که همکاری‌های رو به رشد چین و روسیه چالش‌های مشترکی مانند مخالفت با سه نیروی شر (تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی) و دخالت‌های خارجی را برطرف می‌کند (Reid, 2019).

حضور نظامی چین در منطقه خودمختار گورنو-بدخشان واقع در تاجیکستان که نزدیک به سین‌کیانگ است و به کریدور واخان^۲ افغانستان گسترش یافته است، به تازگی به نوعی تایید شده است، اما چین ادعا می‌کند این پایگاه با اهداف آموزشی و تدارکاتی و نه اشغال نظامی ساخته شده است. وضعیت پایگاه احتمالی این کشور در افغانستان نیز هنوز مشخص نیست (Hedenskog and Others, 2019:44).

ر چنین فضایی که روسیه همچنان برتری نظامی خود را در آسیای مرکزی در چارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی و از طریق توافق‌های دو جانبه در مورد پایگاه‌های نظامی با قرقیزستان و تاجیکستان حفظ می‌کند، حضور نظامی چینی‌ها در منطقه بیشتر در چارچوب

^۱. Great Responsible Power

^۲. Wakhan Corridor

سازمان همکاری شانگهای بوده است. به عنوان مثال در قالب تمرینات چند جانبه ماموریت صلح (Hedenskog and others, 2019:40). در واقع پکن سازمان شانگهای را به عنوان یک سازمان منطقه‌ای با هدف تضمین منافع چین در آسیای مرکزی و استان سین‌کیانگ می‌بیند و مسکو تمایل دارد که سازمان همکاری شانگهای را یک بلوک ژئوپلیتیک با تمایلات ضد غربی تلقی کند در عین حال این سازمان به منظور پشتیبانی و حمایت دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی از فدراسیون روسیه در مدار سیاست‌های گرایش به شرق این کشور قرار دارد (Kaczmariski, 2019:45).

شاید بتوان گفت در کنار سایر عوامل تضعیف چشمگیر مواضع رقبای اصلی روسیه نیز به افزایش نقش امنیتی و نظامی این کشور در آسیای مرکزی کمک کرده است. پس از تصمیم ایالات متحده برای ترک افغانستان از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، واشنگتن نیز توجه کمتری به آسیای مرکزی کرد. طرح آسیای مرکزی بزرگ^۱ دولت قبلی ایالات متحده آمریکا به رهبری باراک اوباما با فرمت $C5 + 1^2$ به نظر می‌رسید، تلاشی نه چندان موفق برای به دست آوردن قلمرو از دست رفته در منطقه است، اما با بودجه بسیار کم ۱۵ میلیون دلاری این طرح^۲ ایالات متحده نمی‌توانست ادعا کند که یک بستر تمام عیار برای مذاکره است (Lewis, 2019).

پس از خروج نیروهای آمریکا از افغانستان علاقمندی امنیتی و نظامی آمریکا در آسیای مرکزی به طرز چشمگیری کاهش یافت. علاوه بر این، قدرت ایالات متحده در منطقه پس از بحران اوکراین و الحاق کریمه تضعیف شد، زیرا نتوانست به طور موثر به سیاست خارجی تهاجمی روسیه پاسخ دهد (Starr and Wimbush, 2019).

بنابراین به نظر می‌رسد در شرایطی که برتری نظامی و امنیتی روسیه مسلم است، چین دست‌کم فعلاً پذیرفته است که روسیه تامین کننده امنیت سخت‌افزاری منطقه باشد. با چنین رویکردی درک متقابل از وضع موجود منطقه تقویت شد و روسیه را نیز به انعطاف بیشتری در همکاری با طرح‌های اقتصادی چین واداشت. لذا می‌توان گفت، تراز نبودن قدرت چین و

^۱. Greater Central Asia

^۲. Five Central Asian nations and the U.S

^۳. چارچوب نشست‌های پنج کشور آسیای مرکزی و آمریکا در سال ۲۰۱۵ با هدف دیدار منظم وزیران خارجه این کشورها با همتای آمریکایی ایجاد شد.

روسیه در حوزه امنیتی نه تنها منجر به مشکل نمی‌شود، بلکه فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند که در ابتدا مکمل قدرت روسیه است و در نهایت با آن به تعادل می‌رسد.

برخی تحلیلگران در خصوص توازن موجود در محور چین- روسیه در آسیای مرکزی معتقد هستند با توجه به ارزش پایین آسیای مرکزی برای روسیه، مسکو کنترل خود را بر آسیای مرکزی به عنوان یک مهره معامله به منظور جلب حمایت چینی‌ها در مسائل جهانی معامله کرد. به این ترتیب تغییر جدی در توازن توانایی‌های مادی و تغییر ژئواکونومیک در منطقه موجب درگیری میان روسیه و چین در آسیای مرکزی نشده است. به عبارت دیگر چین به روسیه تعهد تعامل جهانی می‌دهد و روسیه در مقابل از نفوذ چین در آسیای مرکزی چشم‌پوشی می‌کند (Korolev, 2016:382)، اگرچه پیوندهای تاریخی، امنیت انرژی و حضور نظامی روسیه در منطقه نمی‌تواند حاکی از اهمیت پایین این منطقه برای روسیه باشد به نحوی که عدم مداخله تهاجمی قطعی روسیه را در این منطقه با تردید مواجه می‌سازد.

پیتر لینک و ویتالی نامکین در رابطه با رویکرد چین در منطقه آسیای مرکزی معتقد هستند، "چین بازیگر فرامرزی پرنفوذ صحنه سیاسی آسیای مرکزی است. این کشور با نمایش رویکردی واقع‌بینانه که در ذات سیاست‌های خود وجود دارد، ترجیح می‌دهد در آن منطقه محتاطانه عمل کند، چرا که نقاط مشکل‌زای سیاست خارجی پکن در منطقه آسیا-پاسیفیک واقع شده‌اند. این نقاط شامل تایوان و جزایر مورد مناقشه در دریاهای جنوبی است. جمهوری خلق چین خواسته‌ها و منافع خود را در آسیای مرکزی در زمانی نامناسب مطرح نمی‌کند، اما این امر به هیچ وجه به معنی نبود آنها نیست" (لینک، نامکین، ۱۳۹۱: ۲۷۷)

در مجموع می‌توان گفت با وجود اینکه توانایی‌های مادی و حضور اقتصادی چین در منطقه آسیای مرکزی رو به رشد و به صورت بالقوه تعارض‌زا بوده است، اما پکن موفق شده است مزایای مختلفی را به مسکو در یک برنامه گسترده‌تر ارائه دهد. در نتیجه مسکو به سیاست اجتناب از درگیری، استفاده دوباره از مزایای همکاری در سایر حوزه‌ها و ایجاد مقاومت نرم در منطقه مشغول شده است. تعمیم مهم دیگر چنین وضعیتی این است که توازن قدرت و جایگاه دو کشور می‌تواند شرایط را برای درگیری یا همکاری سایر بازیگران ذینفع در منطقه فراهم آورد.

چالش‌ها و فرصت‌های ایران در محور امنیتی - اقتصادی آسیای مرکزی

اگرچه سیاست خارجی چین و روسیه به سمت توازن در منطقه گرایش دارد، اما ایران در محور توازن چین و روسیه که آنها را به عنوان شرکای استراتژیک خود می‌داند با وضعیتی دوگانه مواجه است. از جمله این که روابط اقتصادی ایران و روسیه در منطقه بنا به برخی دلایل به گونه‌ای است که طرفین را به تعهدات بلندمدت رهنمون نمی‌سازد.

دلیل نخست اینکه جنبه اقتصادی این مشارکت از تعدادی از عوامل مخرب خارجی رنج می‌برد. طرفین در عین حال که متقابلاً یکدیگر را درک می‌کنند، در زمینه‌های خاصی نیز برای یکدیگر از اولویت بالایی برخوردار نیستند. به عنوان مثال، روسیه به نفت ایران احتیاج ندارد در حالی که ایران به فناوری به طور عمده غربی‌ای که روسیه قادر به تهیه آن نیست نیاز دارد. اما بخش‌های انرژی و نظامی با وجود سابقه پیچیده روابط میان دو کشور همچنان ستون این رابطه هستند (Hodek and Panadero, 2019:29).

دلیل دوم اینکه سرنوشت طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک اقتصادی ایران و روسیه از جمله در بخش‌های نفت و گاز و تلاش‌های متقابل برای مقابله با تحریم‌های ایالات متحده هنوز نامشخص است و بیشتر آنها فقط بر روی کاغذ باقی مانده است. همچنین تلاش‌های قبلی برای تقویت روابط اقتصادی از جمله طرح کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب تقریباً ناکام مانده است (Divsalar, 2019:108).

در چنین شرایطی، چین برای مقابله با سیاست مهار ایالات متحده در متنوع سازی منابع انرژی خود به ایران متکی است. اکثر واردات نفت چین در حال حاضر از تنگه مالاکا^۱ عبور می‌کند که توسط متحدین ایالات متحده در آسیای جنوب شرقی کنترل می‌شود. در صورتی که جریان گاز ایران به خطوط لوله بندر گوادر در پاکستان متصل شود، چین می‌تواند بر این مخمسه استراتژیک غلبه کند. این موضوع آمادگی چین را برای سرمایه‌گذاری در توسعه بندر چابهار در جنوب شرقی ایران توضیح می‌دهد. پکن از این طریق همچنین می‌تواند به افغانستان، آسیای مرکزی و روسیه دسترسی پیدا کند (Soltaninejad, 2019).

^۱ Malacca Strait

دلیل سوم اینکه، اگرچه جمهوری اسلامی ایران از اکتبر ۲۰۱۹ همکاری خود با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چارچوب موافقتنامه منطقه آزاد تجاری آغاز کرد^۱، اما در مقابل به نظر می‌رسد تلاش‌های روسیه برای حفظ روابط اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و تأمین انحصار بخش‌های مختلف اقتصاد به منظور محدود کردن همکاری واقعی و مؤثر با سایر بازیگران انجام شده است.

در حقیقت، روسیه گسترش روابط تجاری میان کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای ثالث را اقدامی بالقوه تهدیدآمیز قلمداد می‌کند به این دلیل که نه تنها می‌تواند به جایگاه روسیه در میان شرکای تجاری‌اش در منطقه آسیب برساند، بلکه با توجه به تنوع شرکای تجاری باعث تقویت موقعیت سیاسی و اقتصادی چانه‌زنی جمهوری‌های استقلال یافته در برابر روسیه نیز می‌شود (Hauer, 2018).

در همین راستا به نظر می‌رسد، آمال روسیه از تاسیس این اتحادیه بسیار فراتر از کسب مزایای اقتصادی آن است تجارت با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا از ژانویه تا سپتامبر ۲۰۱۸ تنها ۸٫۵ درصد از کل تجارت جهانی روسیه را شامل شده است. این موضوع نشان دهنده این است که کسب اعتبار سیاسی و افزایش نفوذ ژئوپلیتیک بیشتر از وجه اقتصادی اتحادیه اهمیت دارد (EEC, 2019). دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا همگی از جهت اقتصادی برای پیوستن به این اتحادیه از سوی مسکو منتفع شده‌اند. روسیه در عوض یارانه‌ای کردن اتحادیه اقتصادی اوراسیا نه تنها پذیرش خود به عنوان شریک ارشد، بلکه همچنین تعیین پیش شرط‌ها و دستور کار این اتحادیه شامل موضوع استمرار هم‌گرایی تا تبدیل آن به یک اتحادیه سیاسی را خواستار شده است (Manurung, 2019). در این زمینه هرچند مانور اقتصادی ایران در منطقه شبیه به چین نیست، اما از نظر نتایج بلند مدت برای منطقه دارای ارزش و اهمیت است و می‌تواند به عنوان مولفه‌ای بالقوه برای محدود کردن ایران در آینده به شمار رود.

دلیل چهارم اینکه علاوه بر این توافق، تجارت ایران با اتحادیه اوراسیا و تلاش‌های بی‌پایان آن برای سرعت بخشیدن حمل و نقل شمال- جنوب و تمرکز ویژه بر توسعه بندر چابهار به گسترش روابط ایران با شرق بستگی دارد. در واقع با خروج آمریکا از برجام^۲ رویکرد توسعه

^۱ . بر اساس این موافقتنامه، ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا امتیازات گمرکی خاصی دریافت کرده و کشورهای این اتحادیه هم این امکان را خواهند داشت تا حجم صادرات خود به ایران را تا ۷۵ درصد افزایش دهند (ایرنا، ۱۳۹۸).

^۲ . Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

روابط ایران با هند، چین و روسیه در سیاست خارجی ایران سرعت گرفته است. اما بی‌شک ایران در صورتی که بخواهد به یک شریک ژئواکونومیک برای روسیه و اتحادیه اوراسیا تبدیل شود، راه طولانی در پیش دارد. به عبارت دیگر تقارن رویکرد شرق‌نگرانه دو کشور و انعقاد توافقنامه تجارت ایران و اتحادیه اوراسیا تنها اولین قدم در مسیر توسعه روابط تجاری است.

پنجم در رابطه با بازار فروش و ترانزیت انرژی نیز در حالی که حجم معاملات انرژی میان ایران و آسیای مرکزی کم بوده است، انحصارهای روسیه در صادرات انرژی به ویژه صادرات گاز، بازار انرژی خود را به کشورهای آسیای مرکزی گسترش می‌دهند. به همین ترتیب، روابط روز افزون ایران و آسیای مرکزی در بخش حمل و نقل، فراهم کردن مسیرهای جایگزین به اروپا و بازارهای جهانی به نفع ملی و منطقه‌ای روسیه نیست (Oseiwicz, 2018).

در نهایت، ایران به رغم نقش داشتن در همکاری‌های اقتصادی و تعامل فرهنگی با کشورهای منطقه، تحت تاثیر مستقیم رقابت مسکو قرار دارد. از آنجایی که غیر محتمل است، ایران بتواند مزایایی مشابه آنچه مسکو برای آسیای مرکزی فراهم می‌کند (از جمله کمک‌های مالی، امنیت، فرصت‌های شغلی و حمایت نظامی) ارائه دهد؛ بنابراین در کوتاه مدت تغییراتی به نفع ایران رخ نخواهد داد. ضمن این که روسیه می‌تواند نیروهای جدیدی را به وجود آورد که ممکن است به سمت جهت‌گیری قوی‌تر به سمت رقبای ایران از جمله ترکیه و یا طرفدار ایرانی متمایل شوند (Svetlicinii, 2018:19). روسیه از سوی کشورهای آسیای مرکزی به عنوان تضمینی در رویکرد امنیتی منطقه‌ای دیده می‌شود. این موضوع روسیه را قادر می‌سازد در مذاکرات سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک با شرکای خود از آن بهره بگیرد.

به عبارت دیگر، اگرچه وزن ملاحظات ژئوپلیتیک می‌تواند به عنوان یک نیروی محرک تضمینی برای علاقه روسیه به همکاری‌های منطقه‌ای آسیای مرکزی در نظر گرفته شود، اما با توجه به اولویت ملاحظات ژئوپلیتیک برای روسیه مشخص نیست که روسیه در مدیریت خود از ساز و کار چند جانبه اقتصادی تا چه میزان ثابت قدم خواهد بود (Manurung, 2019). همچنین محتمل است با ناکام ماندن در افزایش تجارت و مواجه شدن با چالش پیدا شدن گزینه‌های جدید برای صدور نفت و گاز آسیای مرکزی، نفوذ اقتصادی روسیه در منطقه بیشتر تضعیف شود، چیزی که با وجود رشد شتابان اقتصادی در مورد چین امکان‌پذیر نیست.

در مقابل زمینه‌های ضعیف همکاری اقتصادی ایران و روسیه، می‌توان گفت در حوزه امنیتی روسیه و ایران (و چین) از تهدیدهای نرم امنیتی از قاچاق مواد مخدر تا افراترایی گرفته تا گسترش تروریسم در منطقه نگران هستند. هر سه کشور کاملاً با هم نظر خود را در مورد برقراری صلح و ثبات در آسیای مرکزی به اشتراک می‌گذارند روسیه و ایران کاملاً موافق هستند که حضور ایالات متحده آمریکا به ضرر امنیت منطقه است. در این میان پرداختن ایران به ملاحظات امنیتی‌اش در منطقه بر اساس منافع مشترک و استحکام روابط به منظور حمایت روسیه از پذیرش ایران در چارچوب همکاری‌های چند جانبه واقع‌بینانه‌تر است.

در شرایطی که پس از خروج یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران رویارویی دو کشور به اوج خود رسیده است، عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای یک هدف استراتژیک برای ایران محسوب می‌شود. ایران تلاش می‌کند یک سیستم امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی بر اساس توازن میان منافع روسیه و چین بدون حضور ایالات متحده تشکیل شود (Garlick and Radka, 2020:4).

عضویت کامل ایران در شانگهای می‌تواند علاوه بر ارتقاء وضعیت منطقه‌ای ایران با افزایش تجارت نفت با سایر اعضای آن در درجه اول با چین و هند به کاهش تأثیر منفی تحریم‌های ایالات متحده که ورود سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی ایران را محدود می‌کند کمک خواهد کرد (Garlick and Rodka, 2020:5).

با بر شمردن نقاط همکاری و رقابت در محور چین و روسیه و چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی ایران، رویکرد ایران را می‌توان بر مبنای دو ویژگی اصلی در نظر گرفت؛ نخست تمرکز بر استفاده از مزایای همکاری و رقابت در محور چین و روسیه و دوم استفاده از ظرفیت‌های هماهنگ کننده که در ادامه به مصایق آن پرداخته خواهد شد.

استفاده از مزایای همکاری و رقابت در محور چین-روسیه؛ از آنجایی که روابط روسیه و چین در یک الگوی منطقی شکل می‌گیرد در حال حاضر روسیه برای حفظ برابری و فضای مانور با چین به سمت منطقی یک عملکرد متعادل پیش می‌رود. در همین راستا مشاهده می‌شود که مسکو ابتدا با پذیرش اعضای جدید در سازمان همکاری شانگهای موافقت کرد و هند و پاکستان رسماً به شانگهای پیوستند. سپس روسیه با

تقویت بعد اقتصادی سازمان موافقت کرد که ممکن است یک گزینه جایگزین (چند جانبه) مناسب برای منطقه خزر در کمربند اقتصادی راه ابریشم^۱ ایجاد کند. سوم پوتین خود ایده‌ی مشارکت جامع اوراسیا را بر اساس اتحادیه اقتصادی اوراسیا که شامل چین، هند، پاکستان، ایران و تعدادی از کشورهای مشترک‌المنافع است قرار داد (Samokhvalov, 2018: 43).

توجه به این نکته لازم است که پس از راه‌یابی هندوستان به این سازمان موضع روسیه قدرت بیشتری خواهد یافت. بنابراین دور از ذهن نیست که ایران بتواند ضمن استحکام بخشیدن به روابط سیاسی و نظامی خود با روسیه با بهره‌گیری از نقش روسیه در خصوص رفع اختلاف نظرهای سیاسی با تاجیکستان بهره بگیرد. (لازم به ذکر است که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ پذیرش پیشنهاد عضویت کامل ایران در شانگهای رد شد. از آنجا که ورود اعضای جدید به شانگهای نیاز به اجماع اعضا دارد و توی تاجیکستان در این زمینه یک مانع بزرگ بوده است. روابط تاجیکستان و ایران هنگامی که مقامات تاجیکستان ایران را به حمایت از حزب مخالف نهضت اسلامی تاجیکستان متهم کردند در سال ۲۰۱۵ به طور جدی رو به وخامت گذاشت، اگر چه ایران رسماً تمام اتهامات مربوط به درگیری در جنگ داخلی تاجیکستان را در دهه نود میلادی انکار کرده است، اما این امر روابط میان دو کشور فارسی زبان را بهبود نبخشید (Botobekov, 2019) و نتوانست نسبت به همراه نمودن این کشور نسبت به عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای اقدام کند).

علاوه بر این جلب حمایت واقعی مسکو برای وارد شدن ایران به سازمان همکاری شانگهای در مقام عضو دائم می‌تواند زمینه‌ای برای حمایت روسیه از همکاری ایران با سازمان پیمان امنیت جمعی نیز باشد.

بدون شک تفاوت دیدگاه ایران و غرب در تنظیم روابطشان نیز از ملاحظات اصلی چین و روسیه در فراهم نمودن شرایط عضویت کامل ایران در شانگهای است (Gupta, 2019). از نظر واقع‌گرایان ساختاری در صورتی که در مورد توازن تهاجم-دفاع تردیدی وجود داشته باشد دولت‌ها سناریوی بد را در پیش می‌گیرند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی استراتژی‌های

¹. Silk Road Economic Belt (SREB)

تهاجمی نسبت به الگوهای دفاعی برتری دارند، از این رو ترغیب می‌شوند از فرصت گسترش، تجمیع قدرت و ظهور سایر قدرت‌ها جلوگیری کنند. در همین راستا والت^۱ متذکر می‌شود، "اگر دولت‌های امنیت‌جو^۲ نتوانند توازن تهاجم-دفاع^۳ را ارزیابی کنند و یا بین توانایی‌های تهاجمی و دفاعی تفکیک قائل شوند، نخواهند توانست از معضلات امنیتی فرار کنند و اهداف مسالمت‌آمیز خود را به شکلی قانع‌کننده نشان دهند" (Lobell, 2017:12).

بر این اساس می‌توان چنین استدلال کرد که ایران برای عضویت کامل در شانگهای باید بتواند توانایی خود را به عنوان یک شریک بین‌المللی منطقی و قابل اعتماد برای چین، روسیه و کشورهای منطقه نشان دهد و از این طریق تلاش‌های ایالات متحده را برای مهار نفوذ ایران به چالش بکشد. برای این منظور اگر خاورمیانه (حداقل از دیدگاه غربی) به عنوان حوزه افزایش قدرت ایران دیده شود، آسیای مرکزی و سازمان همکاری شانگهای جایی است که جمهوری اسلامی باید رگه تدافعی سیاست خارجی خود را نشان دهد.

بر خلاف حوزه امنیتی در مسائل اقتصادی همکاری دوجانبه با کشور چین و تلاش برای برقراری روابط بلندمدت اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی اهمیت می‌یابد. روسیه و دیگر متحدان ایران سرمایه لازم را برای تحقق اهداف ایران ندارند. در حال حاضر تنها چین است که سرمایه‌های هنگفت دارد و نیازمند جایی در بیرون از مرزهای خود برای سرمایه‌گذاری است تا بیش از ۳۰۰۰ میلیارد دلار ذخایر ارزی خود را به تولید و ثروت تبدیل کند (امیر احمدیان و صالحی، ۱۳۹۲).

ایران نیز در دیدگاه چین چندین محرک اصلی اقتصادی را داراست که عبارت هستند از؛ ۱- حفظ امنیت انرژی ۲- ظرفیت بزرگ بازار داخلی ایران و کشورهای غرب ایران ۳- توسعه ابتکار کمربند-راه ۴- تمایل چین برای افزایش حضور خود در خلیج فارس و ۵- رقابت جهانی میان پکن و واشنگتن. ارتباط هر یک از این محرک‌ها نه ثابت است و نه با دوام. بنابراین به نظر می‌رسد این که کدام یک از آنها در شکل‌گیری رویکرد چین در قبال ایران و سطح تعامل دو کشور غالب خواهد بود بسیار وابسته به تاثیر عوامل خارجی از جمله وجود تحریم‌های ثانویه ایالات متحده و یا رویکرد امنیتی ایران در منطقه است (Erdbrink, 2017). ایران قادر

¹. Stephen Walt

² Security-Seeking States

³. Balance of Offense and Deffense

است در سه زمینه اصلی یعنی دستیابی چین به اقیانوس هند، دستیابی به بازار کشورهای غرب ایران و تامین امنیت انرژی چین در قالب‌های مختلف در ابتکار کمربند-راه حضور موثری داشته باشد. بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری‌های عظیم چین در قالب ابتکار کمربند-راه و طرح بزرگ کمربند اقتصادی راه ابریشم فرصتی است که نفوذ اقتصادی چین در آسیای مرکزی برای ایران فراهم می‌کند.

ارائه ابتکار کمربند-راه از سوی چین در اصل یک ایده یا موضوعی برای توسعه و مشارکت است تا این که طرح یا نقشه باشد. این ابتکار با خواست پکن برای حل چالش‌های دراز مدت داخلی، اقتصادی و ژئوپلیتیک با تقویت دولت‌های هم‌جوار چین، صدور سرمایه و کارگر و تاسیس جایگزینی برای نظم بین‌المللی کنونی کلید خورده است (Keough, 2017:66). چین همواره به دنبال یک کریدور انرژی امن برای تامین انرژی خود بوده است. از این رو ابتکار کمربند-راه در آسیای مرکزی اهمیت بسیاری برای چین دارد. ساختار باز ابتکار کمربند-راه و منابع عظیم مالی چین جذاب است، و تا حدی در رقابت با طرح‌های ادغام تحت سلطه روسیه است (Haiquan, 2017:133).

اریک هلر^۱ می‌گوید از نظر واقع‌گرایان سیاست اقتصادی صرفاً سیاست دولت برای گسترش اقتصاد و تامین منابع و سرمایه مورد نیاز برای انجام این کار است. دولت واقع‌گرای تهاجمی در جایی که امنیت اقتصادی و انرژی مطرح می‌شود قدرت خود را برای کنترل ورودی و خروجی بازارهای و تاثیرگذاری بر قیمت با استفاده از تهدیدهای اقتصادی، سیاسی و نظامی و کاربرد زور مانند تحریم‌ها و اعتصاب‌های نظامی به کار خواهد برد. در مقابل دولت واقع‌گرای دفاعی نگران امنیت مسیرهای تجاری و اطمینان از روابط با کشورهای صادر کننده است. تجارت مداوم در چنین شرایطی نه تنها شامل افزایش توان نظامی جهت دفاع از مسیرهای تجارت اقتصادی و انرژی بلکه استراتژی‌های غیرمستقیم مانند حفظ رابطه همکاری با قدرت‌های تاثیرگذار منطقه‌ای را نیز در بر می‌گیرد (Heller, 2003:20). پیش‌بینی تصمیمات آتی چین و روسیه بر اساس این دیدگاه نشان می‌دهد فرصت‌های بیشتری برای همکاری اقتصادی با چین پیش روی ایران قرار دارد.

^۱ Eric Nathaniel Heller

مزیت‌های ایران در ابتکار کمربند-راه چین نیز قابل توجه است. ایران از نظر چین عنصر مرکزی در کمربند اقتصادی جاده ابریشم (به عنوان بخش اصلی ابتکار) است. کمربندی که برایش به شدت بازارگرمی می‌کند و هدف آن گسترش نفوذ فرامرزی چین از طریق آسیای مرکزی به خلیج‌فارس و اروپاست. ضمن آن که ایران می‌تواند نقش بسیار بارزی در حفظ ثبات منطقه خاورمیانه ایفا کند که ضرورت طرح اقتصادی راه ابریشم جدید است (امیر احمدیان و صالحی، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، اجرای طرح آسیای مرکزی بزرگ^۱ و استراتژی راه ابریشم^۲ جدید مورد نظر آمریکا مسیری متفاوت از طرح چینی دارد و به دنبال حذف ایران و چین و روسیه از ژئوپلیتیک منطقه است، می‌تواند رقبای ایران از جمله ترکیه بیش از پیش منتفع سازد (کالچی، ۱۳۹۴: ۴۲۹) بنابراین از دید چین ایران از موقعیت اصلی استراتژیک به عنوان محوری جغرافیایی میان آسیای مرکزی، خلیج فارس و اروپا برخوردار است.

علاوه بر این ایران یکی از قطب‌های مهم در کریدور اقتصادی چین - آسیای مرکزی و غرب آسیا است. مسیر زمینی که دسترسی پکن را از دریای مدیترانه بدون عبور از روسیه فراهم می‌کند. با این وجود گنجاندن کامل ایران در کریدور اقتصادی غرب آسیا به افزایش سطح و کیفیت اتصال بین ایران و کشورهای همسایه بستگی دارد. هدفی که نیاز به سرمایه‌گذاری‌های عمده چینی و پیشرفت چشم‌گیر در قانون تجارت ایران و ادغام مالی جهانی دارد (Shokri, 2019). همچنین ایران یکی از اصلی‌ترین صادرکنندگان نفت به چین نیز است. از طرف دیگر در چشم‌انداز توسعه گوادر^۳ برای چین نقش مهمی دارد. هم در زمینه ساخت پالایشگاه در این بندر پاکستانی و هم در زمینه صادرات نفت و گاز به چین از طریق آن. به همین دلیل همکاری در ساخت خط لوله گازی سمت پاکستان تا مرز ایران در قالب طرح‌های چین قابل پی‌گیری و اجراست. با توجه به توسعه نیروگاه‌های گازی در پاکستان و نیاز به پس‌کرانه گسترده چابهار، قطعاً پیشبرد این خط لوله و مسیر ریلی میان گوادر و چابهار می‌تواند برای ایران هم سودمند باشد (Soltaninejad, 2019). مهم‌ترین شرکای چین تا امروز نیز پاکستان و قزاقستان بوده‌اند که هر دو در مجاورت استان سین‌کیانگ چین به عنوان

¹. Greater Central Asia

². New Silk Road

³. Gwadar

هسته مرکزی ابتکار کمربند-راه قرار دارند. موقعیت ژئواستراتژیک سین کیانگ و نقش ویژه‌اش به عنوان پنجره‌ای به سوی ارتباط و همکاری با کشورهای آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و آسیای غربی باعث شده تا این استان اولویت اصلی سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی، لجستیکی و حمل و نقل و تجارت چین باشد. منطقه کاشغر^۱ در استان سین کیانگ تازه‌ترین منطقه‌ای است که با توسعه اقتصادی به استقبال جاده ابریشم جدید می‌رود (Miholjic, 2019).

تمایل به همکاری اقتصادی در روابط ایران و چین همواره وجود داشته است، به عنوان نمونه شی‌جین‌پینگ در ژانویه ۲۰۱۶ در سفر به ایران اعلام کرد که از سوی بانک توسعه زیرساخت‌های آسیا^۲ وام‌های بدون بهره و کم بهره‌ای برای توسعه کابل‌کشی فیبر نوری و توسعه خطوط پرسرعت ریلی از جمله خط پرسرعت تهران - مشهد اختصاص یافته است. همچنین از ایجاد مناطق آزاد و شهرک‌های صنعتی جدید با سرمایه و فناوری چینی از جمله در بندر جاسک و تامین مالی طرح‌های توجیه‌پذیر از سوی اگزیم بانک^۳ چین سخن به میان آمد. تفاهم‌نامه‌ای هم درباره پیوستن ایران به ابتکار کمربند-راه منعقد شد (Erdbrink, 2017). به رغم پیوندهای اقتصادی دو کشور ظرفیت‌های بیشتری برای برخوداری از دیپلماسی اقتصادی و سرمایه‌گذاری چین در قالب ابتکار کمربند-راه قابل پیگیری است. چین در استراتژی امنیت انرژی خود برای متنوع‌سازی مبادی و منابع جایگاه ویژه‌ای قائل است که در صورت سیاست‌گذاری مناسب نقش ایران در تامین انرژی آینده پررنگ‌تر از امروز خواهد بود.

اگرچه چین همواره تحت فشار مداوم ایالات متحده برای ارزیابی مجدد سیاست خود در قبال ایران و رفتار به عنوان یک "ذی‌نفع مسئول"^۴ قرار گرفته است. رئیس‌جمهور آمریکا ترامپ حتی به چین فشار آورد تا پس از خروج آمریکا از برجام، تحریم‌های صادرات نفت ایران را به منظور منزوی کردن ایران اعمال کند. از این رو برخی شرکت‌های دولتی چینی مانند بانک کونلون^۵ با توجه به تحریم‌های ایالات متحده، روابط تجاری خود با ایران را کاهش داده و

^۱ Kashgar

^۲ Asian Infrastructure Investment Bank

^۳ Exim Bank

^۴ Responsible Stakeholder

^۵ Kunlun Bank

صادرات چین به ایران از اکتبر تا دسامبر ۲۰۱۸ در حدود ۷۰ درصد کاهش پیدا کرد (Smyth, 2019). همچنین با فشار آمریکا در سال ۲۰۱۹ اجرای کمربند-راه در ایران و در خلیج فارس به طور جدی در معرض خطر قرار گرفت و چین مجبور شد برای محافظت از منافع تجاری و شهروندان خود که در زمینه اجرای طرح‌های کمربند-راه فعالیت می‌کنند فعالانه‌تر عمل کند (Garlick and Radka, 2020:13)، با این حال با توجه به نفوذ روز افزون چین بهره‌گیری از وزن سیاسی چین به منظور حمایت از تامین امنیت طرح‌های اقتصادی‌اش در منطقه محتمل خواهد بود.

تمرکز بر ظرفیت‌های هماهنگ کننده در محور توازن؛ رویکرد ایران در معماری اوراسیایی چین و روسیه به همان اندازه که برای مناسبات اقتصادی و سیاسی در آسیای مرکزی دارای اهمیت است پیچیده نیز است. هم زمان با همکاری پکن و مسکو در پیش‌برد اهداف ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود در آسیای مرکزی، ایران نیز ظرفیت قرار گرفتن در این موازنه را داراست:

بهره‌گیری از ظرفیت‌های ایران در سایر زیرسیستم‌های منطقه‌ای؛ در مقایسه با نقش محدودتر در آسیای مرکزی، ایران مسئول برنامه‌های گسترده‌تر استراتژیک در خاورمیانه است. با توجه به معماری امنیتی خلیج فارس که در حال حاضر در جریان است پکن و مسکو نیز فرصتی بی‌نظیر برای گردش مجدد ایران و رقبای منطقه‌ای خود را به سمت معماری اوراسیایی چین و روسیه دارند.

در صورت آسیب نظام کنونی در خاورمیانه از سوی ایالات متحده، روسیه و شاید چین به صورت مشخص خط نفوذ خود را از لبنان تا پاکستان به‌طور کامل از دست خواهند داد و آسیب در محور موازنه‌کننده ایران در منطقه برای روسیه موجب از دست دادن نفوذ خود در خاورمیانه و رسیدن تهدیدات امنیتی ناتو به مرزهای جنوبی و آسیای مرکزی است. در حالی که همین امر در طولانی‌مدت موجب تضعیف امنیت در مرزهای غربی جمهوری خلق چین نیز خواهد شد (سلطان پور، ۱۳۹۸).

همچنین از نظر تجاری خاورمیانه از جمله ایران بخش اصلی طرح جدید چین را نیز تشکیل می‌دهد. طرح کمربند-راه چین در صورت عملیاتی شدن فاصله حمل و نقل چین از خاورمیانه، آفریقا و اروپا را تا هزاران کیلومتر کاهش می‌دهد. کاهش وابستگی چین به تنگه مالاکا که اغلب به عنوان معضل مالاکا خوانده می‌شود، پیامدهای امنیتی، تجاری، ژئوپلیتیک

و انرژی را به همراه دارد (Forough, 2019:276) این در حالی است که به نظر می‌رسد پکن در عین حال که خاورمیانه را محیطی برای توسعه نفوذ چین می‌شناسد آن را منطقه‌ای شکننده درک می‌کند، بنابراین به ثبات در رژیم‌های منطقه اهمیت می‌دهد (Wormuth, 2019). در حالی که حتی این احتمال وجود دارد که دیدگاه‌های پکن منطبق با استراتژی منطقه‌ای و افزایش نفوذ ایران در خاورمیانه نباشد و بسیار بعید است که ایران نیز بخواهد از نفوذ خود در خاورمیانه بکاهد، اما ایران می‌تواند انگیزه تازه و یک نقطه اتصال در تحقق هدف پکن برای ادغام خاورمیانه در ابتکار جاده‌طلبانه کمربند-راه باشد. از طرف دیگر ابتکار ممکن است در ازای شکل دادن همکاری در میان کشورهای خاورمیانه ارزش افزوده قابل توجهی در از بین بردن برخی اختلافات داشته باشد. در مجموع به نظر می‌رسد، وضعیت جاری بین‌المللی ایجاب می‌کند که هر کشوری دست به متوازن‌سازی منافع خود و شرکایش بزند.

اگرچه مسکو درگیری در خاورمیانه را فرصتی برای مقابله با تهدید افراطی تروریسم می‌داند، با این حال به نظر می‌رسد دستورالعمل اصلی ضدتروریسم روسیه در واقع برای نمایش روسیه به عنوان یک بازیگر فعال جهانی در مقابل برنامه‌ها و منافع ایالات متحده بوده است. خاورمیانه تنها مورد نیست و اخیراً روسیه در آسیای مرکزی نیز از تاکتیک‌های ضد تروریسم برای دستیابی به یک استراتژی گسترده‌تر ضد غربی استفاده کرده است. دستور کار کرملین به این معنی است که طرح‌های ضدتروریستی منطقه‌ای تاثیر کمتری در ریشه‌های مشکلات امنیتی داشته است در حالی که بیشتر ناهنجاری‌های سیاسی مسئول ایجاد آنها است (CAP, 2019:43) در این راستا، دو اصل ثابت سیاست خارجی ایران یعنی تقویت "همکاری‌های منطقه‌ای" و بازدارندگی تهدید از منطقه " (به شکل سخت و نرم) باید به نوعی تعادل برسند تا جایگاه ایران در توازن قوای منطقه‌ای حفظ شود (برزگر، ۱۳۹۷).

بنابراین منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی ایران از مطلوبیت سرمایه‌گذاری میانی برای هماهنگ شدن با چین و روسیه در آسیای مرکزی برخوردار است. ایران می‌تواند، رویکرد امنیتی و سیاسی خود را در خاورمیانه بر مبنای قدرت سخت و نرم به نحوی اجرایی نماید که این منطقه بدون تبدیل شدن به بحران امنیتی همواره به عنوان فضای تعادل دهنده زیر سیستم‌های منطقه‌ای باقی بماند.

در واقع، آنچه به عنوان سیاست موثر و بهره‌برداری از فرصت‌های ایران در منطقه آسیای مرکزی مطرح است درک اهمیت وضعیت کنونی و لزوم تصمیم عقلانی به این معنا که علاوه بر تأکید بر حفظ موازنه درون منطقه‌ای در محور چین و روسیه نسبت به بهینه‌سازی همکاری‌ها و موازنه‌ها در ورای منطقه نیز قدم‌های مناسب را برداشته و از آسیب‌پذیری خود به ویژه در حوزه اقتصادی بکاهد.

مدیریت رقابت انرژی در منطقه؛ پکن تلاش می‌کند تا از انرژی به عنوان یکی از اشکال «قدرت نرم» برای پیشبرد اهداف کلان خود چه در برنامه‌ریزی‌های راهبردی اقتصادی در حوزه داخلی و چه در تنظیم مراودات خود در عرصه سیاست خارجی نسبت به کلیه بازیگران نظام بین‌المللی، بهره‌برداری کافی را به عمل آورد.

چین تلاش‌های خود برای دستیابی به منابع انرژی در خاورمیانه متوقف نخواهد کرد و بعید است که آمریکا نیز قادر به خارج کردن چین از منطقه باشد. سیاست زیرکانه‌تر آمریکا تلاش برای همکاری با چین است تا هم به امنیت انرژی و هم به اشتراک منافع در یک منطقه با ثبات در خاورمیانه برسد (Leverett and Bader, 2005)، ایران با داشتن موقعیت ژئوپلیتیک مناسب هم می‌تواند در بازار مصرفی چین، هند و پاکستان و هم در بازار مصرفی اروپای غربی و حتی آمریکا حضور یابد.

علاوه بر این موقعیت استراتژیک ایران در محور حاشیه جنوبی اوراسیا آن را به عنوان محور جغرافیایی در کمربند-ابتکار راه چین را فراهم می‌کند که از قلمرو روسیه عبور نمی‌کند، بر خلاف مسیر فعلی بر اساس کریدور شمال-جنوب که نیاز به عبور از سراسر دریای خزر دارد. داد (Hettiarachchi, 2016:102). کریدور بین‌المللی شمال جنوب به ضرورت استراتژیک مسکو برای حفظ نفوذ خود بر حوزه قفقاز جنوبی و دریای خزر کمک می‌کند. همکاری روسیه و ایران برای متعادل ساختن گسترش شرقی نفوذ ترکیه به قفقاز جنوبی و ترکمنستان از طریق همکاری‌های انرژی و حمل و نقل ترکیه با آذربایجان بسیار مهم است. اما مسیر ترانزیت تجاری چین به اروپا از طریق ایران باید از ترکیه عبور کند و این امر باعث افزایش تاثیر آنکارا در منطقه وسیع‌تر حوزه دریای خزر با هزینه ایران و روسیه می‌شود (Raimondi, 2019:33).

اگرچه پکن در صدد است، زیرساخت‌های ترانزیت تجاری ایران را در ساختار ابتکار کمربند- راه خود بگنجانند، اما ایران برای تبدیل شدن به قطب ترانزیت بین‌المللی

شمال-جنوب نیز مستعد است. در این کریدور مسیر تجاری اقیانوس هند به اروپا جایگزین معماری ابتکار کمربند-راه در پکن خواهد بود. روسیه و هند ایران را به عنوان شرکای این طرح درگیر کرده‌اند (Garlick and Radka, 2020:10).

بنابراین همکاری ایران، روسیه و هند و راه اندازی کریدور شمال جنوب تسلط رو به رشد چین در آسیای مرکزی، قفقاز و مدیترانه شرقی را تعدیل خواهد کرد.

به علاوه ایران دارای دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان و چهارمین ذخایر نفتی در جهان است بنابراین می‌تواند با حفظ آمادگی خود برای تعامل با اروپا بایستی این شائبه را در روسیه ایجاد کند که در صورت تغییر وضع موجود در زمینه تحریم‌ها، افزایش بی‌رویه صادرات هیدروکربن ایران می‌تواند با به خطر انداختن جایگاه روسیه در بین تامین‌کنندگان انرژی اوراسیا ژئوپلیتیک اوراسیا را نیز به نفع چین و به زیان روسیه تغییر دهد.

رویکرد همکاری استراتژیک به جای بازدارندگی تهدید؛ اندور کید^۱ معتقد است، بر اساس نظریه توازن قوا^۲ در صورتی که روابط چین و روسیه و ایالات متحده رو به وخامت باشد دولت‌های ثالث برای محافظت از استقلال خود از میان شرایط جانبداری از چین و روسیه و آمریکا و یا بی‌طرف ماندن سمت طرف ضعیف‌تر را برای پیشگیری در مقابل دولت قوی‌تر خواهند گرفت. اما نظریه پردازان سد نفوذ^۳ معتقد هستند، دولت‌ها برای آرام کردن یا به امید دستیابی به منافع که سایر قدرت‌های وضع موجود دارند به طرف قوی‌تر خواهند پیوست. اما نظریه توازن تهدید^۴ استدلال می‌کند که آنها علیه خطرناک‌ترین طرف تعادل برقرار می‌کنند. آنجا که تهدید شامل نزدیکی جغرافیایی، قابلیت‌ها و اهداف تهاجمی است (Kydd, 2020:14)، اما امروزه ائتلاف‌سازی در سطح بین‌المللی به شکل سنتی آن به پایان رسیده و روابط بین‌الملل کنونی نگاه به این طرف یا آن طرف را نمی‌پذیرد، بلکه باید روابط دو جانبه یا حتی سه جانبه خود را تقویت کند. بی‌تردید چین، روسیه، اروپا و سایرین تنها زمانی با ایران به روابط متعادل می‌رسند که به این درک از هزینه فایده برسند که تقویت روابط با ایران به نفع منافع اقتصادی و سیاسی و امنیتی آنهاست (برزگر، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

¹ Andrew Kydd

² Balance of Power

³ Bandwagoning

⁴ Balance of Threat

عدم تمایل چین به داشتن متحد استراتژیک نیز نکته‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. چین کشور متمایزی در صحنه بین‌المللی است. کشوری که به طور اصولی به دنبال متحد استراتژیک در دنیا نمی‌گردد. آنها فرض دارند که قدرتشان به تنهایی می‌تواند تمام مسایل آنها را حل کند. بنابراین بیشتر به دنبال همکاری استراتژیک که نوعی استقلال منفعت جویانه به هر کدام از طرفین می‌دهد هستند. رابطه این کشور با ایران نیز تحت همین فضا شکل گرفته است (اختیاری و صالحی، ۱۳۹۷: ۸۳).

از طرفی، مادامی که ایران در محور امنیتی چین و روسیه قرار بگیرد آمریکا سیاست خارجی بازدارندگی تهدید را تنظیم خواهد کرد. سیاست مهار ایالات متحده آمریکا طی جنگ سرد در محدود کردن اتحاد جماهیر شوروی موفقیت آمیز بود و اکنون یک استراتژی مهار مشابه می‌تواند برای روسیه، چین و ایران اعمال شود. استراتژی مهار موفقیت آمیز آمریکا را ملزم می‌کند که متحدان خود را درگیر کند و صریحا به دنبال تجاوز به کشورهای باشد که این تهدید را تشخیص ندهند یا تمایل به مقابله با آن را نشان ندهند (Mandelbaum, 2019). رابطه میان ایران و ایالات متحده آمریکا یکی از مولفه‌های کلیدی است که به بهانه‌ای برای ایجاد منطقه امن در اوراسیا تبدیل شده است (اختیاری و صالحی، ۱۳۹۷: ۸۳) در چنین شرایطی تنها تقویت همکاری استراتژیک میان ایران و روسیه چین و سایر کشورهای منطقه می‌تواند چالشی برای بازدارندگی تهدید آمریکا به حساب بیاید.

همچنین وضعیت عضویت ناظر ایران در سازمان پیمان امنیت جمعی اگرچه ممکن است تلویحا به معنای پذیرفتن محوریت روسیه در این سازمان باشد اما از سویی می‌تواند ابعاد مثبتی برای ایران به همراه داشته باشد. در تاریخ ۲۸ نوامبر پوتین در نشست سازمان پیمان امنیت جمعی که در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹ در بیشکک پایتخت قرقیزستان برگزار شد و کشورهای عضو شامل روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان گرد هم آمدند اعلام کرد، سازمان پیمان امنیت جمعی در حال همکاری بیشتر با کشورهای غیر عضو و همچنین دعوت از ناظران و شرکای جدید است (تسنیم، ۱۳۹۸).

ایران با استفاده از این رویکرد روسیه و ارتقاء جایگاهش در این سازمان می‌تواند تمایل خود را به در نظر داشتن سیاستی سازنده و متوازن برای ثبات در منطقه نشان دهد. به عبارت دیگر این مساله علاوه بر این که حضور امنیتی ایران را در منطقه توجیه می‌کند، همچنین به ایران وجه سازنده صلح را هم می‌دهد.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی روسیه با کنار گذاشتن تقابل با آمریکا است و البته سطحی از رقابت بین دو کشور نیز وجود دارد. با توجه به این که سازمان امنیت جمعی در سیاست خود تقابل جدی با ناتو را دنبال نمی‌کند (Dobbins and Zagorski, 2018:11) مطرح کردن وضعیت عضویت ناظر برای ایران در پیمان امنیت جمعی می‌تواند علاوه بر نزدیک شدن به وضعیت همکاری استراتژیک با روسیه منافی نیز در قالب اقدام مشترک با اعضای این سازمان داشته باشد.

علاوه بر این در شرایطی که تغییرات زیست محیطی، بحران آب، ریزگردها و مشکلات مرزی ناظر بر پایداری تهدید منطقه آسیای مرکزی برای ایران است، انتقال سرمایه‌گذاری اقتصادی و ایجاد پیوندهای امنیتی و نظامی با کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند زمینه‌ای برای همکاری استراتژیک مورد توجه ایران باشد.

گسترده‌گی تعاملات بین‌المللی؛ به موازات حفظ توازن در محور چین-روسیه در آسیای مرکزی، حفظ و تداوم روابط با بازیگران مختلف از اروپا گرفته تا هند، ترکیه و... از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این لحاظ حفظ روابط متناسب با سایر بازیگران بین‌المللی می‌تواند ارزش راهبردی ایران را در نگاه روسیه یا چین افزایش دهد. در این خصوص به ویژه روابط با چین در پرتو حفظ روابط ایران با اروپا در مجموعه غرب حائز اهمیت بیشتری می‌شود چرا که چین یک اقتصاد جهانی شده و در منابع مالی و تجاری با غرب وابستگی دارد (برزگر، ۱۳۹۷: ۲۰۱). در مجموع می‌توان گفت به هر میزان که روابط ایران با جامعه جهانی متنوع‌تر و متوازن‌تر باشد در مقابل روابط با چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی نیز تعاملی‌تر و دوجانبه‌تر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

پرونده تعامل چین و روسیه در آسیای مرکزی به شرایط مشابهی برای هماهنگی اشاره می‌کند. کوشش‌های چین برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و نیز ظرفیت بالای ژئواکونومیک و پیش‌بینی ابتکارات طولانی‌مدت در منطقه آسیای مرکزی به موازات پرهیز این کشور از اتخاذ رویکردهای تقابلی و ژئوپلیتیک حاکی از آن است که این کشور در حوزه واقع‌گرایی تدافعی حرکت می‌کند، چیزی که به احتمال زیاد نیز به ادامه توازن موجود خواهد انجامید. روسیه نیز به لطف منافع اقتصادی ابتکار، وضعیت اقتصادی خود را بهبود می‌بخشد و در مقابل چین انعطاف بیشتری از خود نشان می‌دهد.

متوازن کردن طرح‌های روسیه و چین فراتر از یک تقسیم کار صرفاً تاکتیکی است، چین با درک معضل امنیتی به خوبی آگاه است، یک روسیه حساس و ناامن می‌تواند بیش از اندازه بر نفوذ چین در آنچه مسکو به عنوان حوزه نفوذ خود تلقی می‌کند، واکنش نشان دهد. لذا با تاکید بر منافع مشترک سیاسی، اقتصادی و امنیتی به مسکو اجازه می‌دهد، مدعی نقش رهبری اوراسیای بزرگ باشد. مسکو نیز به رغم نگرانی از افزایش قدرت چین از زمینه‌های همکاری و تعامل با چین غافل نشده است. مشارکت روسیه نیز در ابتکار کمربند-راه در کنار چین بر میزان نفوذ دو کشور بر منطقه افزوده است. به طور طبیعی حضور این دو قدرت از تاثیرگذاری ایالات متحده در آسیای مرکزی می‌کاهد. به دلیل قدرت اقتصادی چین این کشور از قدرت بیشتری برای تاثیرگذاری در کشورهای حاضر در ابتکار کمربند-راه برخوردار خواهد بود. وجود برخی دیگر از مواضع مشترک از جمله در خصوص حفظ ثبات در تبادلات انرژی و برخی مسایل حقوق بشر باعث می‌شود که تداوم توازن در محور چین- روسیه در منطقه در بلندمدت دور از انتظار نباشد.

در چنین شرایطی و در حالی که پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای ایران، تهدیدهای امنیتی در چارچوب تحریم‌های مالی و بانکی و فناوری بر ایران افزایش یافته است، هرگونه مشارکت منطقه‌ای می‌تواند روند عادی‌سازی و گذار از تهدیدهای سیاسی و اقتصادی را برای ایران به دنبال داشته باشد. تحقق چنین فرایندی بدون همکاری سازمان یافته بر مبنای منافع متقابل با بازیگران منطقه‌ای کار دشواری خواهد بود.

از سویی در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ایران با وجود تلاش برای شکل دادن به یک برنامه جدی منطقه‌ای در آسیای مرکزی تاکنون با موفقیت محدود در این زمینه روبه‌رو بوده است. به طور کلی، همکاری متقابل اقتصادی، سیاسی و امنیتی میان ایران و کشورهای منطقه چه در قالب نهادهای منطقه‌ای از جمله اکو و چه در چارچوب مناسبات دوجانبه تاکنون از سطح قابل توجهی برخوردار نبوده است. همچنین با وجود اهمیت متقابل ایران برای کشورهای محصور در خشکی این منطقه (به ویژه قزاقستان و ترکمنستان) به عنوان دروازه‌ای برای اتصال به دریای آزاد و دستیابی به بازارهای جهانی انرژی، اما تفاوت کشورهای منطقه در زیرساخت‌ها، منابع قدرت، موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک، گرایش به بازیگران فرامنطقه‌ای از جمله روسیه، چین، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین فشارهای اخیر ایالات متحده بر ایران و پیامدهای احتمالی آن بر آنها موجب می‌شود،

کشورهای منطقه سطح تعاملات خود را با ایران را متأثر از چنین عواملی تنظیم کنند. لذا به نظر می‌رسد در چنین فضایی توسعه روابط اثرگذار میان ایران و کشورهای منطقه دست کم در کوتاه‌مدت پیچیده باشد.

بنابراین می‌توان گفت، اگر در سطح روابط دو جانبه ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی فشار بیشتری وارد می‌شود تا به سرمایه‌گذاری در روابطی بپردازند که فاقد زمینه رویارویی با فشارهای ایالات متحده آمریکا باشد، اما در سطح تعاملات با چین و روسیه به عنوان دو قدرت جهانی، چنین ویژگی‌ای کمتر تعیین کننده است و چه بسا رویارویی با آمریکا می‌تواند به عنوان مخرج مشترک سیاست سه کشور نیز و زمینه‌ای برای هماهنگی در نظر گرفته شود.

بر اساس تفاسیر مطرح شده و با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی و ژئواستراتژیک ایران در منطقه؛ شاید بتوان گفت پیش‌برد منافع اقتصادی ایران از طریق جذب بخشی از سرمایه‌گذاری‌های عظیم چین در قالب ابتکار کمربند-راه و بهره‌مندی از مزایای اقتصادی بلندمدت آن میسر باشد. طبیعی است این طرح در کنار منافع و فرصت‌هایی که برای کشورهای مسیر ایجاد کند چالش‌هایی را نیز پیش روی آنها قرار دهد، اما در چنین شرایطی مشارکت در ابتکار کمربند-راه که به عنوان راهبرد اصلی و بلندمدت سیاست خارجی اقتصادی چین به شمار می‌رود و با استانداردهای بالا توان مدیریت طرح‌های عظیم را دارد نسبت به سایر همکاری‌های دو جانبه از اطمینان بیشتری برخوردار است. با توجه به تمایل رو به رشد چین برای حفاظت از منافع اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌ها و امنیت بیشتر در منطقه در صورت جذب منابع بیشتر سرمایه‌گذاری، برخورداری از حمایت سیاسی چین نیز امکان پذیر خواهد بود.

همچنین در حالی که سازمان همکاری شانگهای در راه تبدیل شدن به یک سازوکار امنیتی در منطقه است، در صورتی که روسیه و چین در جلب حمایت کشورهای منطقه موفق باشند، صرف دستیابی همه طرف‌ها به درک مشترک از ضرورت همکاری علیه تهدیدهای امنیتی می‌تواند زمینه‌های تامین اهداف امنیتی ایران در آسیای مرکزی را فراهم کند. به نظر نمی‌رسد در شرایط حاضر به دلیل عدم وجود اهداف آشتی‌ناپذیر میان سه کشور نیازی به بهره‌گیری از ابداعات امنیتی و سیاسی جدید باشد. چه بسا که ظرفیت چنین اقدامی نیز در منطقه وجود ندارد. با این حال، تاکید بر بهره‌برداری از ابعاد اقتصادی نهادهای منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری شانگهای به نوعی لازمه همکاری در این سازمان منطقه‌ای است.

در عین حال تعاملات اقتصادی و سیاسی در وضعیت کنونی می‌تواند به نحوی تنظیم شود که ضمن بهره‌برداری از فرصت‌ها به منظور تعامل هرچه بیشتر با دو کشور روسیه و چین در منطقه آسیای مرکزی، آمادگی توسعه تعاملات در سایر مجموعه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز وجود داشته باشد.

در مجموع سیاستگذاران این حوزه می‌توانند، ضمن ارائه تعریف روشنی از راهبرد و نقشه راه ایران در آسیای مرکزی با توجه به رویکرد مشارکت‌گرای تدافعی برای بهره‌برداری از مزایا و انتفاع از جایگاه امنیتی و ژئوپلیتیک ایران، ضمن استحکام روابط و جلب حمایت روسیه و چین هزینه‌های لازم برای هر کنش اقتصادی و امنیتی ایران در منطقه را کاهش دهند.

منابع و مأخذ

- آقایی، داوود، راهدار، حسین، (۱۳۹۴)، «نقش سازمان همکاری شانگهای در برقراری نظم مبتنی بر موازه قدرت در آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی، پاییز و زمستان، دوره ۸، شماره ۲، ۱۹۳-۲۱۰*.
- ابوالحسن شیرازی حبیب اله (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، ۳۳*.
- اختیاری امیری، رضا، صالحی خنار، محبوبه، (۱۳۹۷)، «پیامدهای سیاسی اقتصادی توسعه روابط ایران و چین در چارچوب سیاست نگاه به شرق»، *فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱۰ (۴۰)، ۴۳-۸۳*.
- امیراحمدیان، بهرام؛ صالحی دولت آباد، روح اله (۱۳۹۲)؛ «اهداف و راهبردهای سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۴ (زمستان)، ۱-۳۰*.
- ایرنا (۸ مهر ۱۳۹۸)، «پیوستن به اتحادیه اوراسیا دروازه‌ای جدید برای اقتصاد ایران»، قابل دسترسی در:
<https://www.irma.ir/news/83585505/>
- تاریخ دسترسی: ۲۳ دی ۱۳۹۸.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۸۲)، ۱۸۳-۲۰۶*.
- تسنیم (۷ دی ۱۳۹۸)، «نگاهی به برنامه‌های سازمان پیمان امنیت جمعی برای سال ۲۰۲۰»
دسترسی در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/10/07/2168488/>
- تاریخ دسترسی: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹.
- چگنی زاده؛ غلامعلی، (۱۳۹۲)، «موازنه قوا و روابط چین با ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۴*.
- سلطان پور، محمد، «مکانیسم ماشه و تفهیم شرایط کنونی برای چین و روسیه»، *مرکز مطالعات صلح، قابل دسترسی در:*
<http://peace-ipsc.org/fa/>
- تاریخ دسترسی: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹.
- کوپچان، چارلز (۱۳۸۲)، *هژمونی توخالی یا نظام چندقطبی با ثبات، ترجمه عظیم فضلی پور، تهران، موسسه ابرار معاصر*.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۴) *ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی (تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا)*، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، چاپ اول.
- لینک، پیتر، نامکین، ویتالی، (۱۳۹۱)، *آسیای مرکزی: دودمه پس از استقلال*، ترجمه علیرضا عیاری، تهران: انتشارات ایراس (وابسته به موسسه مطالعات ایران و اوراسیا)، چاپ اول.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ امید، علی؛ شاه محمدی، پریسا (۱۳۹۵)، «ابتکار کمربند - راه: قوام نظریه‌ها در هند»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۶ (زمستان)، ۱۶۳-۱۸۸*.
- Bhutia, S. (2019) The EU's New Central Asia Strategy: What does it Mean for Trade? *Eurasianet*, Available at: <https://eurasianet.org/the-eus-new-central-asia-strategy-what-does-it-mean-for-trade>, Accessed on: 8 January 2020 .

- Botobekov, U. (2019), "Impact of the US-Iran Confrontation on Central Asia", *Central Asia-Caucasus Analyst*, Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13589-impact-of-the-us-iran-confrontation-on-central-asia.html>, Accessed on 10 February 2020.
- CAP (Central Asia Program), (2019), "Islam in Russia, Russia in the Middle East" Initiative Russia's Policy in Syria and the Middle East: Determination, Delight, and Disappointment", *Central Asia Program*, 212, Accessed on: 13 March 2020.
- Divsalar, A. (2019), "The Pillars of Iranian-Russian Security Convergence", *The International Spectator: Italian Journal of International Affairs*, 54(3):107-122, doi: 10.1080/03932729.2019.158614.
- Dobbins, J., Zagorski, A. (2018), "Lessons Learned from Russia-West Interactions on European Security", RAND Corporation, Available at: file:///C:/Users/Windows/Desktop/RAND_CF382.pdf, Accessed on: 1 March 2020.
- EDB (Economic Development Board), (2017), "Monitoring of Mutual Investments in CIS Countries 2017", Available at: <https://eabr.org/en/analytics/integration-research/cii-reports/monitoring-of-mutual-investments-in-cis-countries-2017/>, Accessed on: 15 January 2020.
- EEC (Eurasian Economic Council), (2019), "Report on the State of Mutual Trade between the EAEU Member States in 2018", *Eurasian Economic Council*, Available at: http://eec.eaeunion.org/ru/act/integr_i_makroec/dep_stat/tradestat/analytics/Documents/report/Report_2018.pdf#pagemode=bookmarks, Accessed on: 15 January 2020.
- Erdbrink, T. (2017), "For China's Global Ambitions, Iran is at the Center of Everything", *The New York Times*, Available at: <https://www.nytimes.com/2017/07/25/world/middleeast/iran-china-business-ties.html>, Accessed on: 18 January 2020.
- Forough, M. (2019), "Intervention with Chinese Characteristics: the Belt and Road Initiative Reconfiguring (Afro-)Eurasian Geo-economics, Conflict, Security & Development". *Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group*. 19:3, 275281, doi: 10.1080/14678802.2019.1608023.
- Garlick, J., Havlová, R. (2020), "China's "Belt and Road" Economic Diplomacy in the Persian Gulf: Strategic Hedging amidst Saudi-Iranian Regional Rivalry", *Journal of Current Chinese Affairs*, 1-24, doi:10.1177/1868102619898706.
- Glaser, C. (1992), "Political Consequences of Military Strategy: Expanding and Refining the Spiral and Deterrence Models," *World Politics*, 44:519(27):530-3.
- Gupta, P.K. (2019), "US-Iran Conflict and its Impact on Central Asia: An Assessment", *VIF India*, Available at: <https://www.vifindia.org/article/2019/november/04/us-iran-conflict-and-its-impact-on-central-asia-an-assessment>, Accessed on: 18 February 2020.

- Haiquan, L. (2017), "The Security Challenges of the "One Belt, One Road" Initiative and China's Choices", *CIRR*, 23(78):129-147.
- Hauer, N. (2018), "Vladimir Putin's Mission Accomplished' Moment", *Foreign Policy*, Available at: <http://foreignpolicy.com/2018/02/06/vladimir-putins-missionaccomplishedmoment>. Accessed on: 23 January 2020.
- Hedenskog, J, Holmquist, E. and Norberg, J. (2019), "Security in Central Asia Russian policy and military posture", *Swedish Defence Research Agency (FOI)*, Available At: <https://www.foi.se/rest-api/report/FOI-R--4756--SE>, Accessed on: 8 January 2020.
- Heller, E. (2003), An Investigative Analysis of Defensive and Offensive Realism in Chinese Foreign Policy, Research of the Program in Arms Control, Disarmament, and International Security, *University of Illinois at Urbana-Champaign*, 1-27.
- Hettiarachchi, N. & Abeyrathne, U. (2016), "The US attempt of Supremacy in the Twenty First Century: Russian and Chinese Response", *African Journal of Political Science and International Relations*, 10(7).
- Hodek, J. Panadero, M. (2019), "Iran Strategic Report, Center for Global Affairs And Strategic Studies", *Center for Global Affairs & Strategic Studies*, doi: 10.22261/1YRJ04 Available at:
- IMF (The International Monetary Fund). (2019), Available at: <http://data.imf.org/regular.aspx?key=61013712>, Accessed on 5 February 2020.
- Jervis, R. (1999), "Realism, Neoliberalism, and Cooperation: Understanding the Debate" *International Security*, 24: 42-63.
- Kaczmarek, M. Katz, M. Tiilikainen, T. (2018), "The Sino-Russian and US-Russian Relationships: Current Developments and Future Trends". Finnish Institute of International Affairs, Available at: <https://www.fiia.fi/en/publication/the-sino-russian-and-us-russian-relationships>, Accessed on: 25 february 2020.
- Korolev, A. (2016), "Systemic Balancing and Regional Hedging: China-Russia Relations", *The Chinese Journal of International Politics*, 9(4): 375-397, doi: 10.1093/cjip/pow013.
- Kydd, A. (2020), "Switching Sides: Changing Power, Alliance Choice and US-China-Russia Relations", *International Politics*, doi: 10.1057/s41311-020-
- Leverett, F, Bader, J. (2005), "Managing China-U.S. Energy Competition in the Middle East, *The Washington Quarterly*, 29(1): 187-201, doi: 10.1162/016366005774859643.
- Lewis, D. (2019), Strategic Culture and Russia's "Pivot to the East": Russia, China and "Greater Eurasia", *George C. Marshall European Center for Security*

- Studies*, Available at: <https://ore.exeter.ac.uk/repository/handle/10871/38972>, Accessed on: 9 March 2020.
- Lobell, S. E.(2017), "Structural Realism/Offensive and Defensive Realism", *Oxford University Press*, doi: 10.1093/acrefore/9780190846626.013.304.
- Mandelbaum, M. (2019), "The New Containment Handling Russia, China, and Iran", *Public Affairs*, Available at: https://www.realclearpublicaffairs.com/articles/2019/05/29/the_new_containment_handling_russia_china_and_iran.html , Accessed on: 29 January 2020
- Manurung, H.(2019), "A Comprehensive Strategic Partnership: Synchronizing China's Belt and Road Initiative (BRI) on Russia's Eurasia Economic Union(EAEU), *Sociae Politics*, 20(2):152-166, doi: 10.33541/sp.v20i2.
- Medeiros, S. and Chase, S. (2017). "Chinese Perspectives on Sino-Russian Relationship". Russia-China Relations Assessing Common Ground and Strategic Fault Lines (NBR Special Report 66), *The National Bureau of Asian Research*, Available at: https://www.nbr.org/wp-content/uploads/pdfs/publications/special_report_66_russia-chinarelations_July2017.pdf, Accessed on: 20 March 2020.
- Miholjic, N. (2019), "Implications of Sino-Russian Rapprochement For Central Asia", *Central Asian Bureau for Analytical Reporting*, Available at: <https://www.researchgate.net/publication/336120271>, Accessed on: 10 February 2020.
- Mitrova, T. Yermakov, V.(2019), "Russia's Energy Strategy 2035: Struggling to Remain Relevant Russie" *Nei.Reports*, No. 28, Ifri, Available at: https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/mitrova_yermakov_russias_energy_strategy_2019.pdf, Accessed on : 20 February 2020.
- Oseiwicz, P. (2018), "The Belt and Road Initiative (BRI): Implications for Iran-China Relations", Available at: 13 March 2020. <https://pressto.amu.edu.pl/index.php/ps/article/view/16700>, Accessed on:
- Raik, K. Aaltola M. and Kallio J. Pynnöniemi, K.(2018), "The Security Strategies of the US, China, Russia and the EU" *FIIA Report*, Available at: <http://www.tepsa.eu/the-security-strategies-of-the-us-china-russia-and-the-eu-living-in-different-worlds-mika-aaltola-jyrki-kallio-kristi-raik-katri-pynnoniemi-fii-finland/>, Accessed on: 6 February 2019.
- Raimondi, P. (2019), "Central Asia Oil and Gas Industry - The External Powers' Energy Interests in Kazakhstan, Turkmenistan and Uzbekistan", *FEEM Working Paper*, 6, doi: 10.2139/ssrn.338653.
- Reid, S. (2019), "China's Central Asian Plans Are Unnerving Moscow", *Foreign Policy*, Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/12/23/china-russia-central-asia-competition/> Accessed on: 6 December 2019.
- Robert, J. (1976), "Perception and Misperception in International Politics" *Princeton: Princeton University Press*, 67-76.

-
- Rolland, Nadège (2019) "A China–Russia Condominium over Eurasia", *Survival*, 61(1):7-22, doi: /10.1080/00396338.2019.1568043.
- Salitsky, A. Semenova, N. (2019). Central Asia: Political and Energy Issues in the Russia-China Format. *Asia and Africa today* ,(2):2-9 , doi: 10.31857/S032150750003728-2.
- Samokhvalov, v. (2018) Russia and Its Shared Neighbourhoods: A Comparative Analysis of Russia-EU and Russia-China Relations in the EU's Eastern neighbourhood andboo Central Asia, *Contemporary Politics*, 24(1):30-45.
- Sharkov, D. (2018), "Russia's Military Expansion Makes it Greatest Threat to Europe and NATO Must Defend it", Available at: <https://www.newsweek.com/russias-military-expansion-makes-it-greatest-threat-europe-nato-782114>, Accessed on: 10 March 2020.
- Shokri, O. (2019), "Iran's Interests in China's One Belt One Road Policy", *Belt and Road News*, Available at: <https://uwidata.com/4707-irans-interests-in-chinas-one-belt-one-road-policy/>, Accessed on: 11 February 2020.
- Soltaninejad, M. (2019), "Iran turns to China and India in the Fface of US Sanctions", *East Asia Forum Quarterly* ,11(4), Available at: <https://www.eastasiaforum.org/2019/12/25/iran-turns-to-china-and-india-in-the-face-of-us-sanctions/>, Accessed on: 10 February 2020.
- Starr, S. Wimbush, E.(2019), "U.S. Strategy towards Afghanistan and (The Rest of) Central Asia", *The Central Asia-Caucasus Institute and the Silk Road Studies Program*, Available at: <https://www.silkroadstudies.org/publications/joint-center-publications/item/13327-us-strategy-towards-afghanistan-and-the-rest-of-central-asia.html>, Accessed on: 20 March 2020.
- Svetlicinii, A. (2018), "China's Belt and Road Initiative and the Eurasian Economic Union: 'Integrating the Integrations'", *Public Administration Issues*, 3(2):7-20.
- Waltz, K.N. (1991), "America as a Model for the World? A Foreign Policy Perspective", *In Focus*.24(4): 667-670, doi: 10.2307/419401.
- Wastnidge, E. (2017) "Central Asia in the Iranian Geopolitical Imagination," *Cambridge Journal of Eurasian Studies*, 1(4), 124-128.
- Wormuth, C. (2019), "Russia and China in the Middle East: Implications for the United States in an Era of Strategic Competition", *RAND Corporation*, doi: 10.7249/CT511.